

ارائه چارچوبی جهت سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا در بافت‌های شهری، نمونه موردی: کوی رودکی اراک^۱

نجمه سادات مصطفوی؛ مربی گروه پژوهشی توسعه کالبدی شهر، جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹۶/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۶

چکیده: در پی پاسخگویی به مشکلات توسعه پراکنده شهری و نتایج منفی آن، راهکارهای نظری و عملی متعددی ارائه شد. در این میان رشد هوشمند شهری با هدف هدایت بخشی از رشد منطقه‌ای به مراکز شهری و کاهش فشار رشد بر بخش‌های روستایی و مناطق شهری توسعه نیافته پیرامون، با ارائه الگوی توسعه میان‌افزا در تلاش برای تاکید بر توسعه نواحی درونی شهرها و بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود آنها می‌باشد. نبود روشی دقیق و کارآمد برای محاسبه ظرفیت توسعه و برنامه‌ریزی توسعه براساس پتانسیل‌ها به جای ظرفیت‌ها، نیاز به تدوین فرآیندی عملیاتی برای سنجش ظرفیت توسعه را دو چندان می‌نماید. به سبب گستردگی موضوع مورد بحث و اهمیت بعد اجتماعی در فرایند توسعه، در این پژوهش تنها به تدوین چارچوبی جهت سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا پرداخته شده است. از آنجایی که اجماع نظری بر شاخص‌های این سنجش وجود ندارد؛ پس از مطالعه منابع داخلی و خارجی و استخراج اولیه شاخص‌ها، از روش دلفی برای رسیدن به وفاق بین صاحب‌نظران (۲۱ متخصص) استفاده گردید. در راستای کمی‌سازی سنجش ظرفیت توسعه، از روش امتیازدهی تحلیل سلسله مراتبی AHP استفاده شد. حجم نمونه برای توزیع پرسشنامه معادل ۳۷۵ تن بود. پرسشنامه‌ها براساس پوشش مکانی تمام محدوده توزیع گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

کلمات کلیدی: توسعه میان‌افزا، ظرفیت اجتماعی، دلفی، AHP، کوی رودکی، اراک.

Developing a Framework for Measuring Social Capacity of Urban Infill Development (Case Study: Rudaki District of Arak)

Najmeh Sadat Moosavi; Faculty Member, Department of Research on Urban Development, Jahad University of Markazi Province, Arak, Iran

Abstract: A number of theoretical and practical solutions were presented in response to the problems of urban sprawl and its negative results. The urban smart growth theory provided infill development to guide a part of regional growth in urban centers and reduce the pressure of physical growth on the rural and undeveloped urban areas to emphasize on the development of cities and utilization of the existing infrastructure. Lack of an accurate and efficient method for calculating capacity development and relying on development planning based on potential rather than capacity were intensified the need to develop the operational process to assess the development capacity. Regarding this issue and the importance of the social dimension in the development process, this study was performed to develop a framework for measuring the social capacity of infill development. Since there is no consensus on the indices measured, primary indices were collected after studying international sources and the Delphi method was used to achieve consensus among experts (21 experts). In order to quantify the measurement of capacity development, the AHP scoring method was used. The questionnaires were distributed among 375 residents. The collected information was analyzed through the GIS geographic information system.

Keywords: Infill development, Social capacity, Delphi, AHP, Rudaki district, Arak.

نویسنده مسئول: نجمه سادات مصطفوی، گروه پژوهشی توسعه کالبدی شهر، جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی، Najme.mostafavi@yahoo.com

- مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی انجام شده با عنوان "تدوین شاخص‌های سنجش ظرفیت توسعه میان‌افزا در هسته ۱۸ شهر اراک" در جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی می‌باشد.

مقدمه

به وجود آمده است. به تلاش‌های برنامه‌ریزی کاربری زمین ملی، قانون‌های مدیریت رشد ایالتی و تغییر در برنامه‌ریزی مسکن و ... از جمله این مواردی به شمار می‌آیند (Edwards, 2007).

رشد هوشمند مدافع سیاست هدایت بخشی از رشد منطقه‌ای به مراکز شهری است. بر این اساس، فشار رشد بر بخش‌های روستایی و مناطق شهری توسعه‌نیافته کاهش می‌یابد. استراتژی‌های عمومی و خصوصی در این نوع از برنامه‌ریزی تاکید بر تغییر تقاضای رشد از مناطق بیرونی، حومه و پیرامونی را به مراکز شهری موجود و نواحی درونی شهرها دارند به طوری که تمامی مناطق به طور متناسب رشد کرده و از زیرساخت‌های موجود بهره‌گیری می‌شود. مناطق کلانشهری با استفاده از استراتژی‌های رشد هوشمند از مزایای متعددی بهره‌مند خواهند شد: تقویت اقتصادی، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان، و حفاظت و احیای سیستم‌های منابع طبیعی (Bloustein, 2006).

آنچنان که پراکنده رویی شهری متمرکز بر توسعه حومه است؛ رشد هوشمند، توسعه میان‌افزا را به عنوان الگوی رشد انتخاب می‌کند (Litman, 2005). توسعه میان‌افزایی کلیدی از رشد هوشمند است (Listokin et al, 2006). توسعه میان‌افزا توسعه‌ای جدید در اراضی خالی، رهاشده و کمتر توسعه یافته بافت‌های ساخته شده موجود است که تقریباً زیرساخت‌های موردنیاز را دارد. توسعه میان‌افزا در حقیقت پرکننده فواصل بافت‌های موجود است که نقش حیاتی در احیای جوامع و محافظت از منابع و اراضی داشته و گزینه‌ای جایگزین برای توسعه پراکنده قلمداد می‌شود. این نوع از توسعه با حفظ منابع مالی جامعه از طریق بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود، افزایش پیاده‌محوری با ارائه فضاهای جذاب و امن پیاده‌روی و خلق فرصت‌های جدید کاربری‌های مختلط سعی در برگرداندن حس مکان را دارد (Governor et al, 2001).

در دهه‌های اخیر شهرهای سراسر جهان برای مقابله با اثرات (۱) جهانی شدن، (۲) تمرکززدایی مسئولیت و (۳) رشد سریع جمعیت تلاش می‌کنند (Cities Alliance, 2005). تغییرات در ساختارهای نهادی اقتصادی، جامعه مدنی و در نوع و مقیاس چالش‌های زیست محیطی و چالش‌های متعارض مرتبط تاثیر شگرفی بر شهرنشینی و رشد شهری و همچنین پویایی اجتماعی و فضایی مناطق شهری داشته است. در این راستا هدف اصلی توسعه پایدار برقراری تعادل بین نیازهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. به منظور دستیابی به شهرسازی پایدار، شهرها نیازمند توسعه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بدون آسیب رساندن به محیط زیست بوده و ایجاد تعادلی منطقی بین ساکنان بشر و منابع طبیعی می‌باشند (Abu-Ghazalah, 2008).

توسعه شهری پایدار، فرایند ایجاد تعادل بین نیازهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. برای رسیدن به چنین تعادلی در سطح محلی، دستور کار محلی ۲۱^۱ در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد شده است. دستور کار ۲۱ شامل "مجموعه وظایف و چشم‌اندازی به منظور ترویج توسعه پایدار در سطح محلی است و فهرست اقدامات را نشان می‌دهد" (Rasooli & Badarulzaman, 2010). با توجه به دستور کار ۲۱، پایداری دارای چهار بعد است؛ ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نهادی (Spangenberg et al, 2002). بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ روند دستیابی به توسعه پایدار در شهرها را توصیف کرده است، بر این اساس شهری پایدار است که قابل زندگی و رقابتی بوده، حکمرانی صحیح و رونق اقتصادی داشته باشد. مفهوم رشد هوشمند در دهه ۱۹۹۰، در ادامه مباحث مدیریت رشد شهری که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در نظام برنامه‌ریزی به کار گرفته شده بود، پدیدار شد. رشد هوشمند به عنوان پاسخی برای تداوم مشکلات توسعه پراکنده و نتایج منفی آن

1. The Local Agenda 21

نمود. لازم به ذکر است؛ از آنجایی که اصطلاح ظرفیت اجتماعی و قابلیت اجتماعی به منظور تکمیل مفهوم سرمایه اجتماعی در ادبیات مرتبط با توسعه اجتماعی پدید آمده و رواج یافته است؛ از این رو برای شناسایی و استخراج شاخص‌های سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه، مطالعه نظریات و شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی ضرورت می‌یابد.

ظرفیت توسعه، ظرفیت اجتماعی توسعه^۱ و سرمایه اجتماعی

در بسیاری از متون تخصصی واژه ظرفیت^۲ و توانمندی یا قابلیت^۳ به جای یکدیگر استفاده شده‌اند. لازم به ذکر است که معانی ظرفیت و قابلیت در زبان‌های مختلف نزدیک به هم است؛ همچنان که گفته شد هر دو اصطلاح، احساس پتانسیل، توانایی و یا عملکرد تعریف شده‌اند.

واژه "ظرفیت" که در علوم زیست‌محیطی کاربرد زیادی دارد به معنی منابع و ذخایر و بکارگیری آنها در طبیعت است. در نگاهی مشابه، ظرفیت اجتماعی را می‌توان به منابع و ذخایر اجتماعی و نیز بکارگیری اجتماعی آنها تقسیم کرد. در نتیجه ظرفیت اجتماعی را می‌توان به عنوان رشد یا توسعه هر سطح و یا تمام سطوح سلسله مراتبی از یکپارچگی انسانی و یا اجتماعی در محدوده مکانی خاصی تعریف نمود که توسط فرآیندهای یک‌جانبه، چندجانبه و یا وابسته در یک فرد، بین افراد و یا گروهی از افراد شکل می‌یابد. ظرفیت اجتماعی متشکل از مجموع ظرفیت انسانی و جنبه‌های (مثبت یا منفی) بدست آمده از طریق همکاری می‌باشد.

ظرفیت توسعه که جایگزین ظرفیت ساخت می‌باشد (Bester, 2016: 3)، اصطلاحی جدید در ادبیات توسعه است که از دهه ۱۹۸۰ رواج یافت و در دهه ۱۹۹۰ تأکید فراگیری بر آن شد (Lusthaus, Adrien & Perstinger, 1999).

اندازه‌گیری میزان توسعه میان‌افزا در نواحی شهری در منابع پژوهشی مختلف شامل مراحل متفاوتی است. برخی منابع به محاسبه پتانسیل و برخی دیگر تأکید بر برآورد ظرفیت توسعه داشته‌اند. این در حالی است که نگاهی دقیق‌تر بر موضوع نشانگر آن است که در حقیقت تفاوت ماهوی بین پتانسیل و ظرفیت وجود دارد و بسیاری از پژوهش‌ها از آن غافل مانده‌اند. به طور کلی و با استناد به مطالعات انجام شده می‌توان گفت؛ ظرفیت توسعه یا به طور دقیق‌تر پتانسیل‌های واقعی توسعه، آن میزان از پتانسیل است که محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را برای توسعه ندارد. برای مثال اراضی خالی، ابنیه مخروبه و یا متروکه، سایت‌های صنعتی و نظامی درون شهر و ... به عنوان پتانسیل توسعه میان‌افزا قلمداد می‌شود؛ حال آن که ممکن است تمامی آنها نتوانند در ظرفیت توسعه قرار گیرند و یا اصطلاحاً ظرفیت توسعه را نداشته باشند. از این رو سنجش ظرفیت توسعه میان‌افزا نیازمند روشی دقیق و کارآمد است تا بتوان با استفاده از آن به محاسبه و برآورد پتانسیل واقعی و یا همان ظرفیت توسعه پرداخت. این پژوهش در حقیقت به دنبال تدوین شاخص‌هایی برای سنجش ظرفیت است که بدین منظور از ادبیات جهانی و به‌روز بهره گرفته و در عین حال به بومی‌سازی آن‌ها می‌پردازد. به سبب گستردگی موضوع مورد بحث، تنها به تدوین چارچوبی جهت سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا پرداخته و در کوی رودکی اراک به مرحله آزمون گذارده می‌شود.

سوالی که در این مقاله سعی می‌شود به آن پاسخ داده شود این است که چگونه می‌توان ظرفیت پتانسیل‌های موجود برای توسعه یک شهر یا محله را سنجید؛ به عبارتی دیگر چه میزان از پتانسیل‌های موجود ظرفیت تحقق‌پذیری را دارند. در این مقاله سعی می‌شود تا با بررسی و مطالعه متون تخصصی مرتبط، چارچوبی جهت سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه تدوین

1. Social Capacity of Development (SCD)
2. Capacity
3. Capability

تحقیقات آسیب‌پذیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تعدادی از مفهوم‌سازی‌ها، وجود یا کمبود ظرفیت (ظرفیت آمادگی، مقابله، پاسخ، بهبود یا سازگاری) به عنوان یک عنصر مرکزی آسیب‌پذیری (اجتماعی) در نظر گرفته می‌شود که مشتمل بر موارد زیر است:

✓ ظرفیت دانش

✓ ظرفیت انگیزشی

✓ ظرفیت شبکه

✓ ظرفیت‌های اقتصادی

✓ ظرفیت‌های سازمانی

✓ ظرفیت‌های رویه‌ای

بررسی‌های انجام شده در خصوص روند ادبیات نظری در حوزه پایداری اجتماعی شهری نشان می‌دهد که جنبه‌های مختلف در تعریف و بررسی پایداری اجتماعی شامل عدالت اجتماعی، رضایت از نیاز انسانی، رفاه، کیفیت زندگی، تعامل اجتماعی، انسجام و انعطاف‌پذیری، حس تعلق به اجتماع و حس مکان می‌باشد. از سویی دیگر در اکثر مطالعات انجام شده در واحدهای شهری مختلف در حوزه مربوطه، بیشتر بر مسائل مربوط به اجتماع تأکید شده است (Ghahramanpour, Lamit, & Sedaghatnia, 1999).

برخی از محققان تحلیل شبکه اجتماعی را به عنوان رویکردی مفید برای بررسی ظرفیت اجتماعی به منظور برنامه ریزی و مدیریت در مقیاس چشم اندازسازی پیشنهاد کرده‌اند؛ با این وجود مطالعات تجربی محدودی در این خصوص وجود دارد. به طور کلی ترکیب تجزیه و تحلیل شبکه اجتماعی با داده‌های کیفی برآمده از مصاحبه‌های ذینفعان پیشنهاد می‌شود و آن را راهی مفید برای بررسی رابطه بین ساختار شبکه و ظرفیت اجتماعی و در نظرگیری چگونگی تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌دانند (Fischer et al., 2016).

ظرفیت توسعه توانایی زمین برای جا دادن توسعه بیشتر است. به گفته کیزر، "زمین قابل توسعه، زمینی خالی و یا کمتر استفاده شده بدون محدودیت‌های شدید فیزیکی است که برای استفاده بیشتر، برنامه‌ریزی و یا طبقه‌بندی شده و دسترسی به خدمات شهری لازم را برای پشتیبانی از توسعه دارد" (Kaiser, Godschalk & Chapin, 1995). در حال حاضر، تعریفی جامع و جهان شمول از ظرفیت اجتماعات، فرایندها و شاخص‌های ارزیابی آن وجود ندارد. با این حال تقریباً در تمامی تحقیقات مرتبط با حوزه ظرفیت اجتماعی در کنار پایداری اجتماعی، تاب آوری اجتماعی، آسیب‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی آورده شده است (ساسانپور و همکاران، ۱۳۹۴) (براتی و همکاران، ۱۳۸۹) (توکلی‌نیا و استادی، ۱۳۸۸) (عزیزی، ۱۳۸۵) (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱) (میبدی و پورمحمدی، ۱۳۹۵) (جمعه‌پور و مخلصیان، ۱۳۹۶) (Ledogar & Aldrich & Meyer, 2015) (Noya & Clarence, 2009) Fleming, 2008) (Bernier & Meinzen-Dick, 2014) (Claridge, 2004) (Mauerhofer, 2013) (Eizenberg & Jabareen, Lichterman, 2009) (2017).

از نظر لغوی ظرفیت با تأکید بر بعد اجتماعی معادل توانایی انجام اهداف، بیان شده است و در حقیقت از آن به عنوان منابع در دسترس یک سازمان و یا سیستم و همچنین اقداماتی که این منابع را به عملکرد تبدیل می‌کند؛ یاد می‌شود (Brown & Lafond, 2003: 7). بنابراین، به طور کلی، ظرفیت اشاره به توانایی‌های مربوط به یک فرد، یک گروه اجتماعی، سازمان و یا کنشگران نهادی برای تصمیم‌گیری و رفتار بهینه در یک وضعیت خاص یا برای غلبه بر اثرات منفی برخی از رویدادها و همچنین بکارگیری منابع لازم دارد (Kuhlicke & Steinführer, 2010: 11).

ظرفیت‌های مردم یا سازمان‌ها یک موضوع برجسته در تحقیق و عمل بوده است. برای مثال، "ظرفیت" به طور گسترده‌ای در

1. Kaiser
2. Societal capital

جدول (۱): بررسی اجمالی تعاریف انتخاب شده سرمایه اجتماعی در ادبیات علوم اجتماعی

منبع	تعریف
Bourdieu (1986)	سرمایه اجتماعی یک ویژگی از یک فرد در یک زمینه اجتماعی است. در واقع می‌توان سرمایه اجتماعی را از طریق اقدامی هدفمند کسب نمود و می‌توان سرمایه اجتماعی را به سرمایه اقتصادی تبدیل کرد. به هر حال، توانایی انجام این کار، بستگی به ماهیت تعهدات، ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی در دسترس دارد.
Coleman (1988)	توانایی افراد برای کار با یکدیگر به صورت داوطلبانه
Bourdieu and Wacquant (1992)	سرمایه اجتماعی مجموع منابع بالفعل یا بالقوه‌ای است که نتیجه شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده برآمده از آشنایی متقابل و رسمیت یافته می‌باشد.
Grootaert (1997)	به طور کلی در ادبیات علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از هنجارها، شبکه‌ها و سازمان‌هایی گفته می‌شود که از طریق آن مردم به قدرت و منابع دسترسی دارند و از طریق آن تصمیم‌گیری و تدوین سیاست رخ می‌دهد.
Putnam (1997)	ویژگی‌های زندگی اجتماعی - شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد - که در آن همکاری و هماهنگی برای سود متقابل تسهیل می‌گردد.
OECD (1998)	دانش، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و دیگر ویژگی‌های افراد که به فعالیت‌های اقتصادی مربوط هستند.
Dylink and Hockerts (2002)	دو نوع سرمایه اجتماعی وجود دارد: سرمایه انسانی و سرمایه جامعه‌ای. سرمایه جامعه‌ای، شامل کیفیت خدمات عمومی، مانند یک سیستم آموزشی خوب، زیرساخت و یا یک فرهنگ حمایت از کارآفرینی و ...
Sobel (2002)	سرمایه اجتماعی را شرایطی توصیف می‌کند که در آن فرد می‌تواند با عضویت در گروه‌ها و شبکه‌ها، امنیت منافع خود را تامین نمایند.
Farley and Costanza (2002)	سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد. شواهد روزافزون بیانگر اهمیت انسجام اجتماعی جوامع در دست یابی به رونق اقتصادی و توسعه پایدار است. سرمایه اجتماعی تنها مجموع نهادهای زیربنای یک جامعه نیست بلکه چسب است که آنها را با هم نگه می‌دارد.
Strange and Bayley (2008)	سرمایه اجتماعی در قالب شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی است.
Ostrom and Ahn (2009)	چندین شکل از سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ سه نوع از آنها اهمیت ویژه‌ای در مطالعه کنش جمعی دارند که عبارتند از: (۱) اعتماد (۲) شبکه‌ها (۳) قوانین یا نهادهای رسمی و غیر رسمی. سرمایه اجتماعی به عنوان یک ویژگی از افراد و روابط آنها است که توانایی آنها را برای حل مسائل کنش جمعی افزایش می‌دهد.
World Bank (2010)	سرمایه اجتماعی به هنجارها و شبکه‌هایی اشاره دارد که منجر به کنش جمعی می‌گردد.

پیشینه پژوهش

۲۰۰۹ مورد بررسی قرار گرفت. وی معتقد بود که سرمایه اجتماعی تا جایی که مربوط به روندها و نتایج می‌شود باید به عنوان مولفه‌های ظرفیت‌های اجتماعی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، کمین قابلیت را به دو بخش قابلیت‌های فردی و قابلیت‌های اجتماعی تقسیم نمود؛ قابلیت‌های اجتماعی را قابلیت‌هایی ذکر کرده که می‌تواند تنها به صورت اجتماعی به دست آید و نشان دهنده مجموعه‌ای از داشته‌ها و اعمالی است که می‌تواند تنها به عنوان یک نتیجه از تعامل اجتماعی کسب شود (Comin, 2008 & 2009).

فصل 37 از دستور کار 21 موضوع ظرفیت سازی برای توسعه پایدار را مطرح ساخته است. بر اساس این گزارش توانایی یک کشور در پیگیری مسیر توسعه پایدار، به میزان زیادی به وسیله ظرفیت مردم و نهادهای آن و همچنین شرایط جغرافیایی و اکولوژیکی آن کشور تعیین می‌شود (UNCED, 1992).
در سال ۲۰۰۸، کمین^۱ رابطه بین رویکرد قابلیت و رویکرد سرمایه اجتماعی را ارزیابی نمود؛ یکی از اولین نتیجه‌گیری‌های او ارجحیت تمرکز بر قابلیت در مقایسه با سرمایه در بررسی‌های اجتماعی بود. رابطه بین رویکرد سرمایه اجتماعی و رویکرد قابلیت با دقت بسیاری توسط وی مجدداً در سال

1. Comin

ساختارها و دانش چگونگی استفاده از آنها می‌باشد. ظرفیت سازی در سطوح مختلف فردی، سازمانی و جامعه اتفاق می‌افتد (Kuhlicke & Steinführer, 2010).

برواینگک و سولار^۴ با بررسی درک ارتباط بین ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی محله و ابعاد مربوط به سرمایه اجتماعی جوانان محله در پی دست یابی به ظرفیت‌هایی برای مداخلات موثر جوانان گرا بودند. مطالعات آنها بیانگر آن بود که اثر فقر محله بر شبکه‌های اجتماعی از طریق بی‌ثباتی و ناهمگونی به طور غیر مستقیم بر ظرفیت اجتماعی محله برای دست یابی به اهداف مشترک مانند کاهش جرم تاثیر می‌گذارد. از سویی دیگر محله‌هایی که ساکنان آن در فضای تبدیلی بیشتری در نتیجه فعالیت‌های معمول قرار دارند، سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی مربوط به بهزیستی جوانان را درک می‌کنند که شامل خودمانی بودن، روابط اجتماعی سودمند، اعتماد، انتظارات مشترک اجتماعی و ظرفیت نظارت مستمر بر فضای عمومی می‌شود (Browning & Soller, 2014).

اپلگرین و کلوهن^۵ در تحقیقی با عنوان "مدیریت کمبود آب: تمرکز بر ظرفیت‌های اجتماعی و گزینه‌ها"، بر ظرفیت سازگاری جوامع برای سیاست گذاری و حل منازعات برای رسیدگی به کمبود آب و شناسایی محدودیت‌های این ظرفیت‌های سازگاری متمرکز شده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق کمبود منابع اجتماعی می‌تواند نه تنها ظرفیت را برای رفع کمبود آب محدود کند بلکه پیامدهای امنیتی گسترده‌تری را برای فرآیندهای سازگاری داشته باشد. بنابراین همواره نیاز به توسعه گزینه‌های سیاسی برای تحریک فرآیندهای سازگاری و تقویت ظرفیت منابع اجتماعی احساس می‌شود (Appelgren & Klohn, 1999).

بستر^۱ در پروژه پژوهشی خود، ظرفیت توسعه را به مثابه فرایندی در نظر گرفته است که به وسیله آن افراد، سازمان‌ها و به طور کلی جامعه، در طول زمان، می‌توانند ظرفیت خود را تقویت، ایجاد، تطبیق و حفظ کنند. علاوه بر این اندازه‌گیری پیشرفت ظرفیت توسعه به عنوان یکی از چالش‌های معرفی شده از سوی نهادهای بین‌المللی عنوان شده است (Bester, 2016). ایوانی در پایان نامه خود با عنوان جوانب اجتماعی- کالبدی محلات شهری در شهرهای ایران، به بررسی رابطه میان فضا و ارتباطات اجتماعی می‌پردازد و با مقایسه تطبیقی بین محلات شهر مشهد نشان می‌دهد که نبود فضاهای مناسب، مانع ایجاد ارتباطات اجتماعی و تعاملات ساکنان نیست. با این حال بر این نکته تاکید می‌کند که وجود فضاهای موثر می‌تواند به بهبود ظرفیت اجتماعی یک منطقه مسکونی منجر شود. بر این اساس فضاهای موثر منجر به ایجاد و ارتقای حس مکان شده و حس مکان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی و ظرفیت اجتماعی برای یک جامعه است (Ivani, 2009).

هیوود و اینگلسون^۲ در پروژه‌ای با عنوان "حمایت از هنر و بکارگیری مهارت‌ها در جوامع از طریق ایجاد خلاقیت در منطقه محلی"، تلاش کردند تا مبحث شهروند فعال را در میان جوانان از طریق تسهیل ظرفیت سازی اجتماعی با پروژه‌های هنری موثر و زودبازده برای کسانی که نیازمند توانمندسازی هستند، پیگیری نمایند (Haywood & Ingleson, 2011). کوهلیک و اشتاینفورر^۳، ظرفیت اجتماعی را معادل تمام منابع موجود در یک واحد اجتماعی و یا فضایی خاص در نظر گرفته‌اند که می‌تواند برای پیش‌بینی، پاسخ به، مقابله با، بازیابی از و انطباق با عوامل استرس‌زای خارجی (به عنوان مثال یک رویداد خطرناک) مورد استفاده قرار گیرد و شامل مهارت‌ها، دانش، شبکه‌های اجتماعی و همچنین نهادها،

1. Bester
2. Haywood & Ingleson
3. Kuhlicke & Steinführer
4. Browning & Soller
5. Appelgren & Klohn

ظرفیت‌ساز برای سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (زندرضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۵).

کاظمیان، قربانی‌زاده و شفیعا، برای تعریف سازه‌ای مناسب جهت سنجش ظرفیت اجتماعی کنشگران محلات غیررسمی، سه مولفه سرمایه اجتماعی، استعداد مشارکت‌پذیری و استعداد تسهیم دانش به عنوان مولفه‌های اصلی مفهوم ظرفیت اجتماعی ارائه داده‌اند (کاظمیان، قربانی‌زاده و شفیعا، ۱۳۹۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (کمی و کیفی) است. در بخش اول تحقیقی کیفی به شمار می‌آید که از روش دلفی بهره گرفته شده است؛ بدین صورت که پس از مطالعه و بررسی اجلاس‌ها، مجامع رسمی بین‌المللی، گزارش‌ها، کتاب‌ها، تحقیقات، مقالات و پروژه‌های اجرایی خارجی و داخلی، ابعاد و شاخص‌های توسعه با تاکید بر بعد اجتماعی استخراج شد. با توجه به پتانسیل‌ها، خصوصیات، ویژگی‌ها و معضلات خاص هر شهر و تفاوت در اهمیت و اولویت هر کدام از شاخص‌ها برای شهرها، نیاز به بومی‌سازی، تدقیق و سنجش اهمیت و اولویت هر یک آنها برای شهر اراک است. از این رو، با استفاده از روش دلفی به محاسبه سه پارامتر اجماع، اهمیت و اولویت هر کدام از شاخص‌های سنجش ظرفیت توسعه میان‌افزا با تاکید بر بعد اجتماعی این ظرفیت در شهر اراک پرداخته شد {۱}. مهمترین دلیل انتخاب این روش را به وجود آوردن اجماع و توافق بین صاحب‌نظران و متولیان توسعه شهری در تدوین شاخص‌های توسعه درونی شهر با اعتبار بالا است.

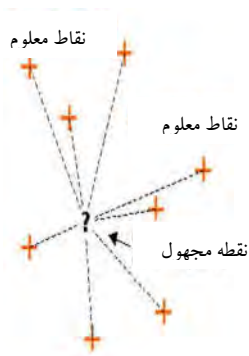
بخش دوم مطالعه، کمی بوده و با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی^۲ در نرم افزار Expert Choice به وزن دهی هر یک از ابعاد و خرده ابعاد به دست آمده پرداخته می‌شود. فرایند تحلیل سلسله مراتبی یکی از معروفترین فنون تصمیم‌گیری چند شاخصه است که توسط توماس ال ساعتی در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید.

به منظور واکاوی اصول پایداری اجتماعی، موارهوفر^۱ به بررسی عمیق ادبیات مرتبط با رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی پرداخت؛ پس از آن همپوشانی بین مفهوم ظرفیت‌های اجتماعی و مفهوم قابلیت‌های اجتماعی را مورد بحث قرار داده و مفهوم ظرفیت قابل تحمل اجتماعی ارائه نمود. همانطور که تصویر (۱) نشان می‌دهد از نظر موارهوفر، پایداری، سرمایه و ظرفیت را در شرایط زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی زیر چتری مشترک از ظرفیت قابل تحمل محیط یکپارچه می‌سازد (Mauerhofer, 2011).

عارفی بر مبنای دارایی اجتماعی و فیزیکی به بررسی و مطالعه ظرفیت‌های اجتماعی برای ارتقای محله پرداخته است. وی اجماع و توافق (اقدام جمعی ناشی از منافع اجتماعی و اقتصادی مشترک)، ایجاد تصویر ذهنی (توسعه فضاها و عمومی با افزایش امکانات زیبایی‌شناسانه و بازگرداندن حس مکان) و ظرفیت‌سازی اجتماعی (مشارکت عمومی و خصوصی، کمک‌های فنی، فعالیت‌ها و مشاغل محله در خیابان‌های اصلی رو به زوال) را سه اصل این فرایند عنوان می‌کند (Arefi, 2004). رضازاده، محمدی و رفیعان براساس رویکرد دارایی مبنای بهره‌برداری از ظرفیت‌های اجتماعی توسعه تاکید اصلی بر پایه شناسایی ظرفیت‌ها و سرمایه‌های موجود و تقویت و بهره‌برداری از آنها است؛ از این رو راهبردهای توسعه بر مبنای قابلیت‌ها و توانمندی‌های ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلی تعیین می‌شود در نتیجه مشتمل بر سرمایه اجتماعی و کالبدی بوده و ابعاد مشارکت اجتماعی، اعتماد و امنیت، انسجام اجتماعی، احساس تعلق را به این منظور پیشنهاد دادند (رضازاده، محمدی آیدغمیش و رفیعان، ۱۳۹۱).

زندرضوی، ضیائی و رحمانی، شبکه‌ها، مشارکت اجتماعی، اعتماد و امنیت، هنجار عمل متقابل و انسجام اجتماعی، عوامل

1. Mauerhofer
2. Analytical Hierarchy process- AHP



تصویر (۳): استفاده از ابزار درون‌یابی GIS با روش واحد همسایگی طبیعی

تدوین مدل سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا در بافت‌های شهری با استفاده از روش دلفی

در ادامه، براساس مطالعات پیرامون حوزه ظرفیت اجتماعی برای سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه، خرده ابعادی در نظر گرفته شد که پس از طی مراحل کارشناسی با استفاده از روش دلفی، سه خرده ابعاد مشارکت، اعتماد و احساس تعلق خاطر استخراج گردید. در یک جمع‌بندی نهایی براساس مبانی نظری موجود و با استفاده از تکنیک دلفی برای بررسی میزان ظرفیت اجتماعی توسعه از سه نوع سنجش زیر استفاده می‌شود:

- ✓ سنجش ساختاری: شامل روابط انجمنی، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت‌های اجتماعی می‌باشد.
 - ✓ سنجش محتوایی: شامل انواع اعتماد در بین شهروندان می‌باشد.
 - ✓ سنجش کارکردی: ناظر بر میزان حساسیت افراد به سرنوشت جامعه‌شان است.
- در این مرحله از پژوهش شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی با توجه به نظرات متخصصان محاسبه می‌گردد. در نظرسنجی این بخش ۲۱ متخصص شرکت نموده‌اند.

یکی از خرده ابعاد مورد اجماع ظرفیت اجتماعی توسعه از سوی متخصصان در این پژوهش، مشارکت اجتماعی است که توسط دو معرف عملیاتی مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی تعریف می‌شود. حدود ۸۰ درصد خبرگان با در نظر گرفتن این خرده بعد در سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه

این روش هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم‌گیری روبرو است، می‌تواند مفید باشد. شاخص‌ها می‌توانند کمی و یا کیفی باشند. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است (دلبری و داودی، ۱۳۹۱). در ادامه با استفاده از پرسشنامه تدوین شده، هر یک از ابعاد و خرده ابعاد در محدوده نمونه مورد مطالعه محاسبه می‌شود.

حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد. جمعیت کوی رودکی براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۵۹۹۷ تن می‌باشد که حجم نمونه معادل ۳۷۵ تن محاسبه شد. پرسشنامه براساس پوشش مکانی تمام محدوده توزیع گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا اطلاعات پرسشنامه براساس مکان در نقاط معلوم تکمیل شد و پس از آن برای تهیه نقشه به سبب وجود نقاط مجهول در محله از ابزار درون‌یابی در GIS استفاده شد.

به این منظور از روش واحد همسایگی طبیعی^۱ را برای تهیه نقشه‌های خرده ابعاد و از روش IDW را برای تهیه نقشه ظرفیت اجتماعی استفاده شد. این روش شبیه مدل IDW است و از میانگین وزن دار در درون‌یابی استفاده می‌کند. تفاوتش با مدل IDW در این است که بین نقاط، مثلث‌های هم ارزش می‌سازد و براساس درصد مساحت اشغال شده بوسیله هر مثلث، وزن‌دهی می‌کند. روش واحد همسایگی طبیعی، از نوع روش‌های درون‌یابی محلی است. این روش از الگوریتم همسایگی یا مجاورت استفاده کرده و ارزش نقاط مجهول را بدین روش محاسبه می‌کند. مهمترین ویژگی این مدل، کاربرد آن برای مناطق ناهماهنگ است و از دیگر خصوصیات آن سادگی در اجرا و عدم استفاده از شعاع جستجو یا تعیین تعداد نقاط همسایه می‌باشد.

1. Neighbor Natural

جدول (۴): میزان اولویت هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه

خرده ابعاد	مشارکت	اعتماد	احساس تعلق خاطر
زیاد	۲۰	۱۹	۱۷
متوسط	۱	۲	۳
کم	۰	۰	۱

در پاسخ به میزان اولویت خرده ابعاد، همانطور که در جدول و نمودار مربوطه مشاهده می‌شود؛ در رابطه با خرده ابعاد مشارکت، اعتماد و احساس تعلق خاطر به ترتیب حدود ۹۵، ۹۰ و ۸۰ درصد از متخصصان اعتقاد به اولویت زیاد هر یک را داشته‌اند. با استفاده از محاسبه و تحلیل شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه مشخص گردید؛ مشارکت اجتماعی، اعتماد و احساس تعلق خاطر هر یک به ترتیب با امتیاز ۱/۸، ۱/۷ و ۱/۶، در بردار +۲ تا ۲- اجماع نظرات قرار گرفتند. از طرفی دیگر مشارکت اجتماعی اهمیتی در حدود ۹۵ درصد و اولویت حدود ۹۸ درصد را به خود اختصاص داد.

در راستای کمی‌سازی سنجش ظرفیت توسعه، از روش امتیازدهی تحلیل سلسله مراتبی AHP استفاده می‌شود. امتیازات خرده ابعاد و مولفه‌های ظرفیت اجتماعی در جدول (۵) آورده شده است.

توافق نظر دارند. اعتماد و احساس تعلق خاطر به ترتیب در رتبه دوم و سوم قرار می‌گیرند.

جدول (۲): میزان توافق با هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه

خرده ابعاد	مشارکت	اعتماد	احساس تعلق خاطر
کاملاً موافقم	۱۷	۱۶	۱۶
تا حدی موافقم	۳	۳	۲
بینابین	۱	۲	۲
تا حدی مخالفم	۰	۰	۱
کاملاً مخالفم	۰	۰	۰

پس از توافق نظر خبرگان در خصوص خرده ابعاد، بحث بر سر میزان اهمیت هر یک مطرح می‌گردد. به استناد پرسشنامه‌ها؛ حدود ۹۰ درصد از متخصصان اعتقاد به اهمیت بالای خرده بعد مشارکت دارند؛ این در حالی است که علیرغم پایین تر بودن میزان اهمیت اعتماد و احساس تعلق در سنجش بعد ظرفیت اجتماعی توسعه در مقایسه با خرده بعد مشارکت، همچنان درصد بالایی را به خود اختصاص داده است تا جایی که حدود ۸۵ درصد از متخصصان امر بر میزان اهمیت بالای خرده بعد اعتماد و ۸۰ درصد آنها بر میزان اهمیت بالای خرده بعد احساس تعلق خاطر اتفاق نظر دارند.

جدول (۳): میزان اهمیت هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه

خرده ابعاد	مشارکت	اعتماد	احساس تعلق خاطر
زیاد	۱۹	۱۸	۱۷
متوسط	۲	۲	۲
کم	۰	۱	۲
بی اهمیت	۰	۰	۰

جدول (۵): ضرایب اهمیت مولفه‌های سنجش ظرفیت اجتماعی

خرده ابعاد سنجش ظرفیت اجتماعی	مولفه‌های سنجش ظرفیت اجتماعی	ضریب اهمیت با استفاده از AHP
مشارکت	مشارکت رسمی	۰,۱۲۶
	مشارکت غیررسمی	۰,۰۸۸
اعتماد	اعتماد اجتماعی	۰,۰۵۴
	اعتماد نهادی	۰,۰۵۲
	اعتماد سیاسی	۰,۱۲۳
احساس تعلق خاطر	اخلاق شهروندی	۰,۲۹۹
	حساسیت به سرنوشت	۰,۲۵۸

ارائه چارچوبی جهت سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا در بافت‌های شهری، نمونه موردی: کوی رودکی اراک، ص. ۲۵-۴۲

جدول (۶): شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه

خرده ابعاد	مشارکت	اعتماد	احساس تعلق خاطر
اجماع	۱,۷۶	۱,۶۷	۱,۵۷
اهمیت	۹۵,۲۴	۹۱,۶۷	۸۸,۱۰
اولویت	۹۷,۶۲	۹۵,۲۴	۸۹,۲۹



نمودار (۱): شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت هر یک از خرده ابعاد بعد اجتماعی ظرفیت توسعه



نمودار (۴): مدل پیشنهادی سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه شهری با تاکید بر رویکرد میان‌افزا



تصویر (۴): موقعیت قرارگیری کوی رودکی در اراک

سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه کوی رودکی اراک براساس مدل پیشنهادی

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، پراکنده‌رویی شهری در اراک همچون بسیاری از شهرهای کشور روندی رو به رشد را دارد. در نتیجه گسترش محدوده شهر و از بین رفتن زمین‌های مرغوب پیرامونی به منظور ساخت و ساز و عدم مدیریت صحیح و مناسب استفاده از ظرفیت‌های درونی برای توسعه در داخل محدوده شهر، ضرورت توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود و درونی شهر برای توسعه آینده را تاکید می‌کند. از این رو در این پژوهش به آزمون مدل ارائه شده در شهر اراک پرداخته می‌شود؛ همانطور که گفته شد اراک نیز همچون سایر شهرهای ایران با مسئله پراکنده‌رویی دست به گریبان بوده و ضرورت تامل و بازنگری در این نوع توسعه کالبدی شهر و توجه به اشکال دیگر توسعه همچون توسعه میان‌افزا، برای آن احساس می‌شود.

در این میان کوی رودکی به عنوان نمونه موردی این تحقیق انتخاب شده است. از یک طرف فرسوده بودن بافت کالبدی و لزوم برنامه‌ریزی و نگاه ویژه به آن امری ضروری است و از سویی دیگر کوی رودکی علی‌رغم غنی بودن پایگاه اطلاعاتی، در میان برنامه ریزی برای بخش‌های دیگر شهر و به ویژه بافت‌های فرسوده، همواره مغفول مانده است.

با توجه به مطالعات میدانی به عمل آمده مشخص گردید که از مجموع ۲۹۹۷ قطعه مسکونی کوی رودکی، تنها ۴ قطعه در حال ساخت و ۳ مخروبه وجود دارد. حدود ۲۰٪ از این‌ها مسکونی محدوده نوساز بوده و ۵۴٪ آنها قابل نگهداری است. در مجموع باید گفت حدود ۲۶ درصد از قطعات مسکونی موجود محله رودکی به عنوان پتانسیل مسکونی ۱۰ سال آینده

قلمداد می‌گردد که ۷۰۶ قطعه و یا به عبارتی دیگر مساحتی معادل ۸۸۲۴۳ مترمربع را شامل می‌شود. با توجه به ضوابط و مقررات ساختمانی و بر مبنای سودهی ساخت، حداکثر تراکم، زیربنا و طبقات قابل ساخت که دارای سود اقتصادی قابل قبول باشند شامل ۲۲۷ قطعه با مجموع مساحت عرصه ۵۵۶۲۱ مترمربع به عنوان پتانسیل مسکونی است که حدود ۶/۳ درصد از مساحت کل محدوده را شامل می‌شود.

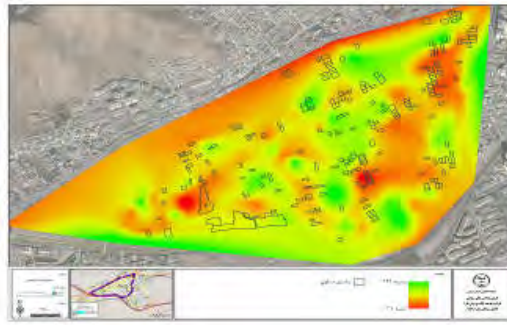
جدول (۷): پتانسیل مسکونی سنجش ظرفیت کالبدی توسعه میان‌افزا

کاربری موجود	تعداد قطعات	مساحت کل
مسکونی	۲۱۰	۳۹۱۴۳
بایر	۱۷	۱۶۴۷۸
مجموع پتانسیل مسکونی	۲۲۷	۵۵۶۲۱

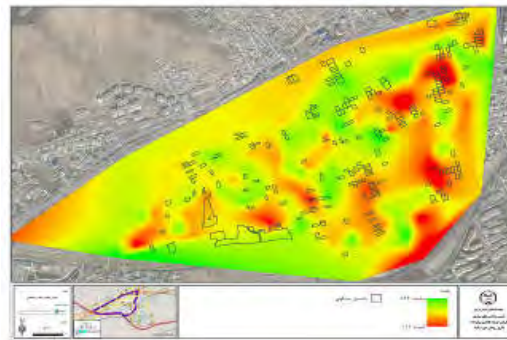
جدول (۸): پتانسیل مسکونی با ظرفیت اجتماعی توسعه

کاربری موجود	تعداد قطعات	مساحت کل
مجموع پتانسیل مسکونی باقیمانده از مرحله قبل	۲۲۷	۵۵۶۲۱
قطعات با ظرفیت اجتماعی زیر میانگین	۱۲۳	۲۶۰۰۲
قطعات با ظرفیت اجتماعی بالای میانگین	۱۰۴	۲۹۶۱۹

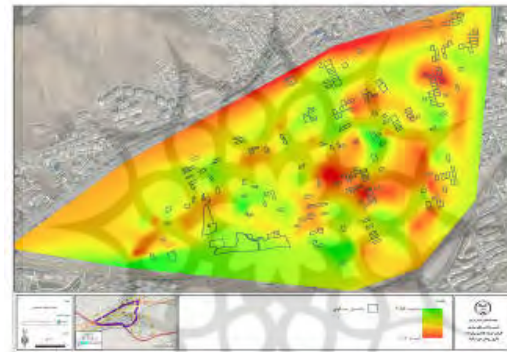
سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه در شهر و محله، بدون بررسی میدانی و ارتباط مستقیم با شهروندان و نظرسنجی و نظرخواهی از آنان ممکن نخواهد بود. براساس مطالعه مبانی نظری و با استفاده تکنیک دلفی، سه خرده بعد مشارکت، اعتماد و احساس تعلق خاطر استخراج شد. به منظور عملیاتی نمودن و سنجش خرده ابعاد و مولفه‌های آنها، گویه‌هایی در قالب پرسشنامه تهیه و تدوین گردید. نمودار (۵) سنجش ظرفیت توسعه اجتماعی با تاکید بر رویکرد میان‌افزا را نشان می‌دهد.



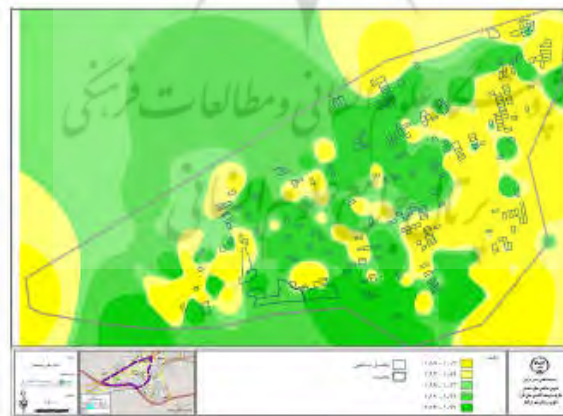
۱- تصویر (۶): وضعیت خرده بعد مشارکت اجتماعی در کوی رودکی



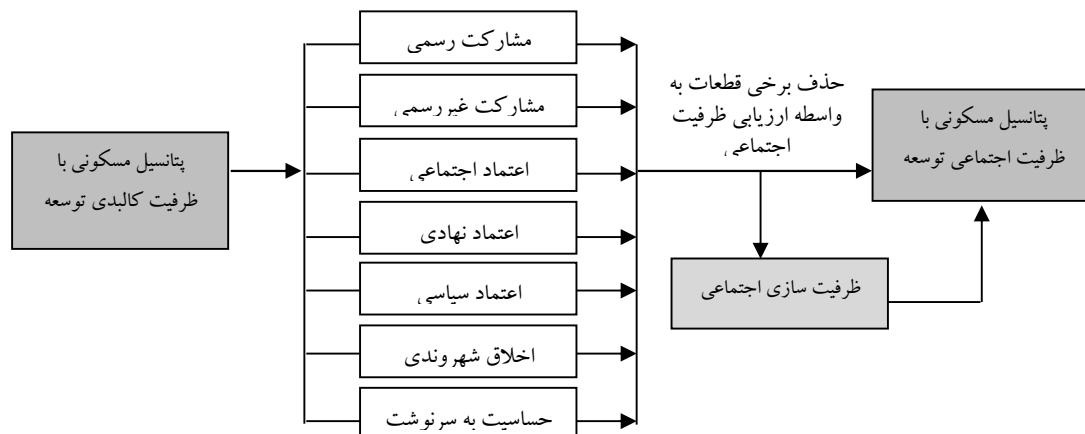
تصویر (۷): وضعیت خرده بعد احساس تعلق خاطر در کوی رودکی



۲- تصویر (۸): وضعیت خرده بعد اعتماد در کوی رودکی



۳- تصویر (۹): وضعیت ظرفیت اجتماعی در کوی رودکی



نمودار (۳): مدل عملیاتی سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه شهری با تاکید بر رویکرد میان‌افزا



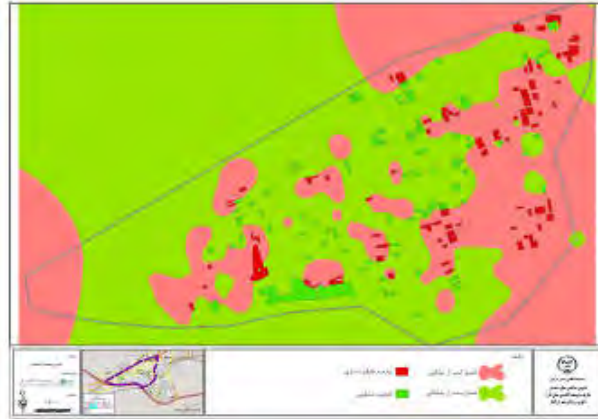
تصویر (۵): پتانسیل مسکونی برای سنجش ظرفیت توسعه میان‌افزا

با استفاده از روش مذکور وضعیت ظرفیت اجتماعی کوی رودکی در سه خرده بعد مشارکت، اعتماد و احساس تعلق خاطر در قالب نقشه‌های جداگانه نمایش داده می‌شود. همانطور که در تصاویر نیز مشاهده می‌شود؛ بافت مرکزی و جنوب محله در خرده بعد مشارکت وضعیت بهتری دارند. از سویی دیگر ساکنان شرقی کوی رودکی در مقایسه با ساکنان سایر نقاط محله، احساس تعلق خاطر کمتری به محله دارند. در تصویر مربوط به اعتماد نیز می‌توان نتایج را تا حدودی مشابه احساس تعلق خاطر مشاهده نمود. براساس ضریب اهمیت به دست آمده از روش برای هر مولفه و خروجی‌های خرده ابعاد در بخش‌های پیشین، ظرفیت اجتماعی با نمرات ۶-۱ امتیازبندی شدند. محاسبات نشان داد که امتیازات ظرفیت اجتماعی به دست آمده برای کوی رودکی

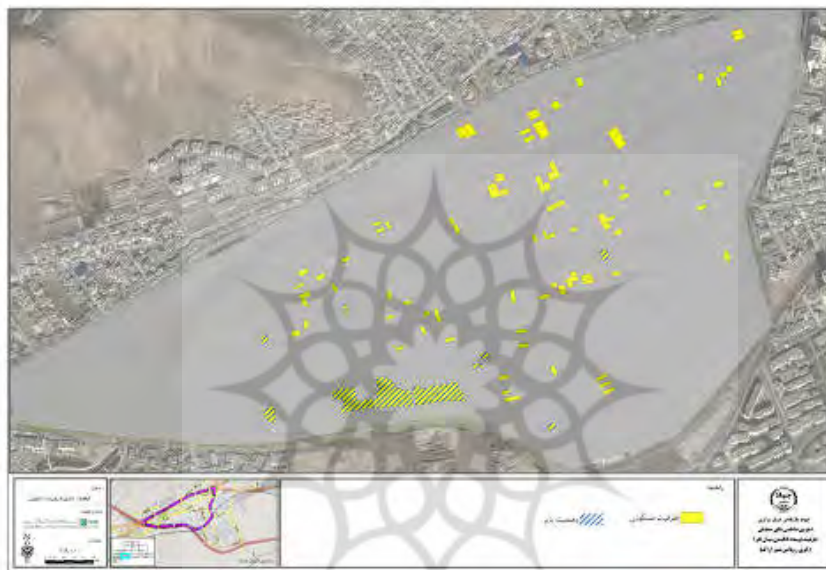
بین ۲/۷-۱/۱ بود که نشان‌دهنده پایین بودن قابل تامل امتیاز ظرفیت اجتماعی برای محدوده مذکور است. در حقیقت امتیاز ظرفیت اجتماعی محدوده مورد مطالعه پایین تر از میانگین می‌باشد. همانطور که تصویر (۱۰) نیز نشان می‌دهد بخش شرقی کوی رودکی ظرفیت اجتماعی بسیار پایینی برای توسعه دارد. میانگین امتیاز ظرفیت اجتماعی محدوده ۱/۹۳ می‌باشد. براساس اطلاعات برآمده از سوال دلایل ترک محله پرسشنامه، حدود ۲۱۰ نفر به سوال مذکور پاسخ دادند. همان طور که در جدول (۱۰) نیز آورده شده است ۸۲ نفر پایین بودن فرهنگ و عدم رعایت حقوق همسایگی و شهروندی را علت اصلی تمایلشان به ترک محله ذکر کرده‌اند. بافت فرسوده و ناکارآمد و شلوغی محله به ترتیب در رتبه دوم و سوم اهمیت قرار گرفتند.

جدول (۱۰): علل اصلی تمایل به ترک محله

درصد اشاره	تعداد	دلایل ترک محله
۳۹٪	۸۲	فرهنگ و رعایت حقوق همسایگی و شهروندی
۲۹٪	۶۱	بافت فرسوده و ناکارآمد
۱۹٪	۴۰	شلوغی محل
۱۵٪	۳۲	خدمات و امکانات شهرداری
۱۴٪	۲۹	امنیت اجتماعی
۱۴٪	۲۹	نظافت و بهداشت محله
۱۱٪	۲۴	اجاره بهای مسکونی
۱۱٪	۲۴	مواد مخدر و اعتیاد
۱۰٪	۲۱	رفتن به محیط و محله بهتر
۹٪	۱۹	شبکه معابر
۸٪	۱۶	آلودگی
۶٪	۱۳	تنگنای اقتصادی
۹٪	۱۹	سایر موارد
	۲۱۰	مجموع



۴- تصویر (۱۰): وضعیت ظرفیت اجتماعی قطعات دارای پتانسیل



تصویر (۱۱): قطعات دارای ظرفیت مسکونی

ملاک عمل، ۱۲۳ قطعه با مجموع مساحت ۲۶۰۰۲ مترمربع از پتانسیل مسکونی کاسته شده و تنها ۱۰۴ قطعه به عنوان ظرفیت مسکونی لحاظ می‌شود. از این میان ۹۴ قطعه با مساحت ۱۷۸۶۲ مترمربع مسکونی مخروطه بوده و ۱۰ قطعه با مساحت ۱۱۷۵۷ مترمربع بایر می‌باشد.

جدول (۱۱): ظرفیت مسکونی توسعه میان‌افزی محله رودکی

کاربری موجود	تعداد قطعات	مساحت کل	مساحت زیربنا
مسکونی	۹۴	۱۷۸۶۲	۴۰۳۶۰
بایر	۱۰	۱۱۷۵۷	۳۵۶۶۵
مجموع ظرفیت مسکونی	۱۰۴	۲۹۶۱۹	۷۶۰۲۵

تحلیل یافته‌ها

با محاسبه ظرفیت اجتماعی محدوده مورد مطالعه مشخص گردید که میانگین ظرفیت اجتماعی محدوده در بازه ۶-۱ حدود ۱/۹۳ می‌باشد که از متوسط نیز پایین‌تر می‌باشد. در حقیقت بررسی‌ها بیانگر نیاز مبرم محدوده به برنامه ریزی اجتماعی است. با در نظرگیری حد متوسط محدوده به عنوان

نتیجه گیری

ایجاد ظرفیت اجتماعی یک مفهوم هنجاری است که روند کشف (کشف دوباره)، ارتقا و توسعه منابع و توانایی‌های ذکر شده را توصیف می‌کند. بنابراین، یک فرآیند یادگیری طولانی مدت، تکراری و متقابل بر اساس همکاری و تعامل

بصورت موردی با توجه به پتانسیل توسعه موجود، پیشنهاد شده اند. راهکارهای پیشنهادی عبارتند از:

✓ ایجاد لایه اطلاعاتی ظرفیت موجود برای توسعه اجتماعی و اقتصادی و کالبدی با تاکید بر الگوی میان‌افزا در سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS که در آن علاوه بر موقعیت زمین‌ها، علل و میزان ظرفیت توسعه زمین و راهکارهای لازم جهت ارتقا و استفاده از این ظرفیت مشخص شده باشد.

✓ آموزش کارشناسان و مدیران شهری برای محاسبه ظرفیت توسعه و نحوه بکارگیری آن با توجه به میزان ظرفیت موجود
 ✓ ایجاد سرای محله و استفاده از رویکرد اجتماع محور در بازآفرینی شهری

✓ استفاده از ظرفیت رسانه‌ها جهت تغییر نگرش مردم و تشویق و ترغیب آنها به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی
 ✓ استفاده از ظرفیت مراسم مذهبی و مناسبتی جهت ترغیب به مشارکت.

✓ تقویت تشکلهای و انجمن‌های محلات شهری به منظور شکل‌گیری حس تعلق جمعی و احساس همبستگی میان مردم
 ✓ ایجاد فضاهای مناسب برای تقویت تعاملات اجتماعی

✓ انجام مرحله ارزیابی اجتماعی در فرایند ظرفیت‌سنجی توسعه میان‌افزا در محله منجر به حذف شمار بالایی از قطعات شناسایی شده، می‌شود. به عبارتی پایین بودن میانگین سطح مشارکت، اعتماد و احساس تعلق خاطر در این محله به عنوان مانعی در راستای استفاده از پتانسیل محله در توسعه کالبدی میان‌افزا محسوب می‌شود. از این رو به نظر می‌آید تقویت روحیه همکاری میان ساکنان، متقاعدسازی آنان درباره فرصت‌ها و دستاوردهای شخصی و عمومی تجمیع، نوسازی و ساخت و ساز مجاز در اراضی بایر باید در زمره اقدامات اولویت دار دست اندرکاران اجرایی توسعه میان‌افزا در این بافت باشد.

انواع بازیگران در مقیاس‌های مختلف است (Kuhlicke et al., 2011).

ظرفیت توسعه را با مواردی همچون ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، و کالبدی می‌توان سنجید. بارگذاری ظرفیت‌ها بستگی به شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی و کالبدی دارد و سناریویی از توسعه انتخاب می‌شود که تناسب بیشتری با شرایط شهر و یا محله دارد (رفعیان و تقوایی و وحدانی، ۱۳۸۸).

همانطور که منابع مختلف نیز بدان اشاره داشته اند؛ فرایند ظرفیت‌سازی برای اجتماعات وابسته به سرمایه اجتماعی است و سرمایه اجتماعی عامل مهمی در برنامه‌ریزی می‌باشد به عبارتی دیگر از عوامل شتاب دهنده ظرفیت‌سازی به شمار می‌آید (Wallis, 1998). به طور کلی ظرفیت‌سازی^۱ فراتر از آموزش فردی است و دارای محدوده بسیار گسترده‌ای است که از فرد تا چارچوب‌های سازمانی گسترش می‌یابد.

راهکارهایی اجرایی پیشنهادی در این بخش با توجه به نتایج بدست آمده از سنجش ظرفیت اجتماعی توسعه میان‌افزا و در جهت حل مسائل بافت محله رودکی اراک در سه زمینه برنامه، طرح و ضوابط قانونی تاثیرگذار بر تصمیمات بخش خصوصی در مورد زمین، دخالت مستقیم بخش عمومی (شهرداری‌ها و سازمان‌های ذیربط) در تصرف و عرضه زمین شهری و اقدامات مالی موثر بر تصمیمات بخش خصوصی در مورد زمین و نحوه استفاده از آن، در سطوح مختلف و از جنبه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و مدیریتی ارائه می‌گردد. به گونه‌ای که راهکارهای اجرایی و مدیریتی در سطح محلی قابل اجرا باشند و راهکارهای قانون‌گذاری در سطح فرا محله‌ای قابل طرح می‌باشند که در چارچوب سیاست‌های مدیریت زمین تدوین شده و همزمان اجرا گردند. تاثیر برخی از این راهکارها بر تمام بافت خواهد بود و برخی دیگر

1. Capacity Building

۴. جمعه پور، محمود و مخلصیان سپیده. (۱۳۹۶). سطح پایداری محله‌ای و رابطه آن با توسعه اجتماعی در محله نازی آباد تهران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۲. صص ۴۱۱-۴۲۵.

۵. دلبری، سیدعلی و داودی، سید علیرضا. (۱۳۹۱). کاربرد تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی. مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۳)، صص ۷۹-۵۷.

۶. رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش، فاطمه و رفیعان، مجتبی. (۱۳۹۱). توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی مبنا. مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی آمایش فضا. دوره شانزدهم، شماره ۲، صص ۵۵-۳۷.

۷. رفیعان، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر و وحدانی، حسن. (۱۳۸۸). ظرفیت سنجی توسعه محله‌ای در فرایند توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: محله کلکته چی یا راسته کوچه شهر تبریز). صغه، دوره ۱۹، شماره ۴۹، صص ۱۰۴-۹۳.

۸. زندررضوی، سیامک؛ ضیائی، کیوان و رحمانی، مریم. (۱۳۸۸). ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر "دوستدار کودک" در بم. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳، صص ۱۰۴-۸۱.

۹. ساسانپور، فرزانه؛ سلیمانی، محمد؛ ضیائیان، پرویز و دلفان آذری، زهرا. (۱۳۹۴). جایگاه محله در توسعه پایدار شهر (مطالعه موردی: محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری تهران). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۵۹.

۱۰. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. فصلنامه هنرهای زیبا. شماره ۲۷، صص ۳۶-۴۵.

۱۱. کاظمیان، غلامرضا؛ قربانی‌زاده، وجه‌الله و شفیعا، سعید. (۱۳۹۱). دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی محله غیررسمی مطالعه موردی: محله شمیران نو. مدیریت شهری، دوره ۱، شماره ۴، صص ۳-۱۲.

۱۲. کیانی، اکبر؛ غلامی فاردقی، حسن و وحدتی، معصومه. (۱۳۹۱). سنجش و ارزیابی ظرفیت زیست اجتماعی محلات در شهرهای کوچک با مدل ELECTRE (مطالعه موردی شهر در ق). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره یازدهم. صص ۷۲-۵۹.

✓ با توجه به نسبت قطعات مسکونی و بایر شناسایی شده برای توسعه میان‌افزا در محله رودکی، ضروری است که سیاست‌های تشویقی برای توسعه میان‌افزا در این محله بیشتر بر نوسازی متمرکز باشد تا ساخت و ساز جدید در اراضی بایر.

✓ به منظور جلوگیری از کاهش سطح کیفی ارائه خدمات محلی به سبب بارگذاری جمعیت ناشی از توسعه میان‌افزا، می‌توان مالکان اراضی بایر انتخاب شده را برای جانمایی کاربری خدماتی به جای کاربری مسکونی تشویق و ترغیب نمود. همچنین می‌توان مجوزهایی را برای جانمایی همزمان واحدهای مسکونی و خدماتی به صورت کاربری مختلط در قطعات مسکونی انتخاب شده، ارائه داد.

✓ ایجاد بانک زمین برای ذخیره زمین‌های در نظر گرفته شده برای کاربری خدمات شهری توسط سازمان‌های ذیربط

✓ اصلاح ضوابط و قوانین منطقه‌بندی در طرح‌های فرادست. چراکه بررسی‌های مربوط به سنجش ظرفیت میان‌افزا براساس قابلیت توسعه، نشان از آن داشتند که پلاک‌هایی دارای قابلیت توسعه بالا هستند که شرایط نسبتاً مناسبی نیز از لحاظ ضوابط و قوانین منطقه‌بندی (همچون تراکم مجاز، حداقل سطح تفکیکی مجاز و کاربری مجاز) در طرح‌های فرادست در خود داشته باشند.

منابع

۱. آقاعلیخانی، زینب و برک پور، ناصر. (۱۳۹۱). مقایسه ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم، صص ۱۴-۱.

۲. براتی، ناصر. تنکابنی، بهاران و سلیمان نژاد، محمدعلی. (۱۳۸۹). سنجش پایداری محله شهرآرای تهران با بکارگیری تلفیقی از معیارهای جهانی و نظرات مردم. نخستین همایش توسعه شهری پایدار در ایران، ۲ و ۳ آذر، ۱۳۸۹، تهران ۱-۱۹.

۳. توکلی‌نیا، جمیله و استادی، منصور. (۱۳۸۸). تحلیل پایداری محله‌های کلانشهر تهران با تاکید بر عملکرد شورایی‌ها، نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۴۳-۲۹.

- Cooperative Research Program. Transportation Research Board, National Research Council. National Academy Press, Washington, DC. pp 83-125
23. Claridge, T. (2004). Social Capital and Natural Resource Management: An important role for social capital? Unpublished Thesis, University of Queensland, Brisbane, Australia.
24. Comin, F. (2008). Social capital and the capability approach, in: D. Castiglione, J.W. Van Deht, G. Wolleb (Eds.), *The Handbook of Social Capital*, Oxford University Press, New York, NY, p. 624-651.
25. Commission of the European communities, (1998). Sustainable urban development in the European Union: A framework for action. Communication from the commission to the council parliament, the economic and social committee and the committee of the regions
26. Edwards, Mary and Haines, Anna, (2007), Evaluating Smart Growth: Implications for Small Communities, *Journal of Planning Education and Research*, 49. 64
27. Eizenberg, Efrat & Jabareen, Yosef. (2017). Social Sustainability: A New Conceptual Framework. *Sustainability*, 9(68), p 1-16.
28. Fischer, A. Paige; Vance-Borland, Ken; Jasny, Lorien; Grimm, Kerry E.; Charnley, Susan. (2016). A network approach to assessing social capacity for landscape planning: The case of fire-prone forests in Oregon, USA. *Landscape and Urban Planning*. 147: p 18-27.
29. Ghahramanpouri, Amir; Lamit, Hasanuddin; & Sedaghatnia, Sepideh. (2013). Urban Social Sustainability Trends in Research Literature. *Asian Social Science*; Vol. 9, No. 4, p 185-193.
30. Governor, Parris N. Glendening and Secretary Roy Kienitz. 2001. Models and Guidelines for Infill Development. Maryland Department of Planning.
31. Haywood, Paul & Ingleson, Sam. (2011). Supporting Arts and Enterprise Skills in Communities through Creative Engagement with the Local Area. *The International Journal of the Arts in Society*, Volume 5, Number 6.P 211-224.
32. Ivani, Hadi. (2009). Socio-Physical Aspects of Urban Neighborhoods in Iranian Cities with Special Reference to the City of
۱۳. میبدی، مونا سادات و پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی اصول و معیارهای پایداری در محلات مسکونی به منظور ایجاد ارتباط بین بافت قدیم و جدید شهر نمونه موردی محلات فیض آباد و شهرک شهید نجفی کرمانشاه. مدیریت شهری شماره ۴۳، صص ۲۴۹-۲۶۲.
14. Aldrich, Daniel P & Meyer Michelle A. (2015). Social Capital and Community Resilience. *American behavior scientist*, Vol 59, Issue 2.
15. Amir Zal, W.A. (2016). Fragility and capacity building of social capital of Malaysian fishermen. *Ocean & Coastal Management* 119, p 177-183
16. Appelgren, B & Klohn, W. (1999). Management of water scarcity: A focus on social capacities and options. *Physics and Chemistry of the Earth, Part B: Hydrology, Oceans and Atmosphere*, Volume 24, Issue 4, P 361-373,
17. Arefi, Mahyar. (2004). Neighborhood Jump-Starting: Los Angeles Neighborhood Initiative. *Cityscape*, Vol. 7, No. 1, Office of University Partnerships Special Edition: A Survey of Current Academic Research on Housing and Community Development Issues (2004), p 5-22.
18. Bernier, Quinn & Meinzen-Dick, Ruth. (2014). Resilience and Social Capital. 2020 CONFERENCE PAPER 4, MAY 2014, Washington, DC, USA
19. Bester, Angela. (2016). Capacity development. The United Nations Department of Economic and Social Affairs for the 2016 Quadrennial Comprehensive Policy Review
20. BLOUSTEIN, EDWARD J. 2006. Infill Development Standards and Policy Guide. Report prepared by the Center for Urban Policy Research, Rutgers University, for the New Jersey Office of State Planning, Trenton, New Jersey.
21. Browning, Christopher R & Soller, Brian. (2014). Moving Beyond Neighborhood: Activity Spaces and Ecological Networks as Contexts for Youth Development. *Cityscape* 1; 16(1):165-196.
22. Burchell, R. W., Shad, N. A., Listokin, D., Phillips, H., Downs, A., Seskin, S, Davis J, Moore T, Helton D, Gall M, (1998): "The Costs of Sprawl—Revisited". Report 39. Transit

http://www.epa.gov/smartgrowth/economic_success.htm.
 42. UNCED. (1992). Agenda 21. Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992.
 43. Wallis, Allan. (1998). Social Capital and Community Building: Part Two. National Civic Review, Vol. 87, No. 4, P 317-336.

پی‌نوشت

{۱}: دلفی، از جمله روش‌های ذهنی - شهودی حوزه آینده‌نگاری به شمار می‌آید. شرکت کنندگان در این مطالعه انتخاب و از آنها خواسته می‌شود در پاسخ به سوالات پرسشنامه که برآمده از مطالعات کتابخانه‌ای است، افکار و پیشنهادهای خود را ارائه دهند. پس از تحلیل اولیه پاسخنامه‌ها، هر پاسخگو بازخورد دوره اول جواب‌های همه پاسخ‌دهندگان را دریافت می‌کند. در این دور اجماع نظر در خصوص ابعاد توسعه درونی بدست خواهد آمد. دور دوم پاسخگویی برای مشخص ساختن شدت سازگاری با میانگین پاسخ‌ها، همچنین دست‌یابی به اجماع و اهمیت ابعاد و شاخص‌های توسعه درونی شهر انجام می‌شود. دور سوم بار دیگر بازخورد نتایج دور دوم به اطلاع پاسخگویان رسانده می‌شود. برای مشخص ساختن میزان اهمیت و نیز اولویت‌بندی شاخص‌ها، پرسشنامه مجدداً اصلاح و ارسال و باز تحلیل می‌گردد.

تعداد پاسخ به گزینه الف $\times 2$ + تعداد پاسخ به گزینه ب $\times 1$ + تعداد پاسخ به گزینه ج $\times -1$ + تعداد پاسخ به گزینه د $\times -2$ = شاخص اجماع	$\times 0$	تعداد کل پاسخ‌ها به گزینه الف تا ه
تعداد پاسخ به گزینه زیاد $\times 100$ + تعداد پاسخ به گزینه متوسط $\times 50$ + تعداد پاسخ به گزینه کم $\times 25$ = شاخص اهمیت	$\times 0$	تعداد کل پاسخ‌ها
تعداد پاسخ به گزینه اولویت زیاد $\times 100$ + تعداد پاسخ به گزینه اولویت متوسط $\times 50$ = شاخص اولویت	$\times 0$	تعداد کل پاسخ‌ها

Mashhad. PHD thesis in Planning Building Environment, the Technical University of Berlin. Berlin. Germany.
 33. Kuhlicke et al. (2011). Perspectives on social capacity building for natural hazards: outlining an emerging field of research and practice in Europe. Environmental science & policy 14. P 804 – 814.
 34. Kuhlicke, C & Steinführer A (2010). Social Capacity Building for Natural Hazards. A Conceptual Frame. CapHaz-Net WP1 Report, Helmholtz Centre for Environmental Research – UFZ: Leipzig (available at: http://caphaz-net.org/outcomes-results/CapHaz-Net_WP1_Social-CapacityBuilding.pdf)
 35. Ledogar, Robert J & Fleming, John. (2008). Social Capital and Resilience: A Review of Concepts and Selected Literature Relevant to Aboriginal Youth Resilience Research. Pimatisiwin 6(2), p 25–46
 36. Lichterman, Paul. (2009). Social Capacity and the Styles of Group Life: Some Inconvenient Wellsprings of Democracy. American behavior scientist, vol 52, Issue 6.
 37. Mauerhofer, Volker. (2013). Social capital, social capacity and social carrying capacity: exploring the social basics of a sustainable development. Futures Volume 53, P 63-73
 38. Noya, Antonella & Clarence, Emma. (2009). Community capacity building: fostering economic and social resilience. 26-27 November 2009, working document, CFE/LEED, OECD.
 39. Rasooli, M. & Badarulzaman, N. & Jaafar, M. The role of CDS in urban sustainable development. ۴۶th ISOCARP Congress 2010
 40. Spangenberg, J.H., Pfahl, S., Deller, K., 2002. Towards indicators for institutional sustainability: lessons from an analysis of Agenda 21. Ecological Indicators 2 (2002) 61–77.
 41. U.S. Environmental Protection Agency's Office of Sustainable Communities with the assistance of Renaissance Planning Group and RCLCO. 2014. Smart growth and economic success: investing in infill development,